

یکی از ویژگی‌های اساسی تعالیم رهایی بخش اسلام، این است که آموزه‌های این مکتب انسان ساز، بر اساس ویژگی‌های ذاتی بشر، بنیان نهاده شده است و این آموزه‌ها در تطابق کامل با ماهیت انسان و ساختار وجودی او - که در گزاره‌های دینی از آن به «فطرت» تعبیر می‌شود - قرار دارد.

این ایین الهی، تلاش کرده است تا با احکام و قوانین و آموزه‌های خود، بستری را فراهم آورد که خواسته‌های اساسی بشری در مسیر صحیح، برآورده شود. یکی از این خواست‌های اساسی انسان‌ها در طول قرن‌های پیاپی حضور انسان بر روی این کره خاکی، برقراری عدالت است. کافی است نگاهی کوتاه، به تاریخ بشریت داشته باشید تا ببینید ریشه چه میزان از ناراحتی‌ها و خستگی‌ها و رنجش‌ها در عدم برقراری عدالت بوده است؟ و یا آن که عامل اساسی چه مقدار از حرکت‌های اجتماعی، انقلاب‌ها، شورش‌ها و . . . تلاش انسان‌ها برای فراهم آوردن بستری است که در آن، این خواسته اساسی (برقراری عدالت) تحقق یابد و در نتیجه، سایر خواسته‌های او نیز برآورده گردد؟

از این رو، در اسلام، کمتر مسئله‌ای را می‌توان یافت که به اندازه عدالت، بدان اهمیت داده باشد؛ زیرا مسئله «عدل» همانند مسئله «توحید»، در تمام اصول و فروع، ریشه دوانده، یعنی همان طور که هیچ یک از مسائل عقیدتی، عملی، فردی، اجتماعی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست، همچنین هیچ یک از آنها را خالی از روح «عدل» نیز نخواهیم یافت. 1

کوتاه سخن این که، تنها واژه عدل می‌تواند بیانگر ربوبیت، حاکمیت، خالقیت و ولایت خدای هستی بر مجموعه هستی باشد. یعنی شیوه ربوبیت و ولایت حق، بر اساس عدل و طرز خالقیت و حاکمیت او بر مبنای عدالت است.

مسئله عدالت در سه حوزه معارف بشری، به صورت مسئله اساسی و بحث انگیز مورد توجه واقع شده است:

1. به عنوان وصف افعال خداوند، یا کیفیت نظام تکوین - که در کلام و فلسفه بحث می‌شود - ؛
2. به عنوان وصف فعل انسانی یا ملکه نفسانی - که در علم اخلاق، مطرح است - ؛
3. به عنوان معیار حقانیت و ملاکی برای داشتن مناسبات صحیح اجتماعی یا نظام اجتماعی سالم - که در علوم اجتماعی و بویژه سیاست مطرح است - . 2

اهمیت عدالت در علم کلام (عقاید) و مبحث عدل الهی، خود، منجر به ایجاد فرقه‌های کلامی مختلفی شده است که شرح آن، نیازمند مجال گسترده‌ای است که از حوصله این نوشته، خارج است.

در حوزه اخلاق نیز مسئله عدالت (یعنی عادلانه بودن رفتار آدمی)، یک موضوع اساسی است که از دیرباز، مورد توجه بوده است. افلاطون، در رساله چهارم کتاب «جمهور»، پس از طرح فضایل چهارگانه (شجاعت، عفت، حکمت، عدالت)، این نکته را گوشزد می‌کند. عدالت با بقیه موارد از این نظر متفاوت است که منحصرراً در زمینه خصوصی، سازنده فضیلت و علو انسانی نیست، بلکه به منزله حسن جامع (تکامل دهنده همه حسن‌ها) است؛ یعنی میان اجزای درونی، هماهنگی ایجاد می‌کند و آنچه را که با توجه به همه ابعاد وجودی انسان، تعالی

بخش اوست، تعیین می نمایند و او را از افراط و تفریط باز می دارد. 3

مسئله عدالت در اجتماع - که مد نظر این نوشته نیز همین معنا از عدالت است -، دارای اهمیت فوق العاده زیادی است. این که در تنظیم مناسبات اجتماعی، شکل گیری نظام اجتماعی و سیاسی مطلوب، بر اساس حق و این که حق، به مقدار برسد و تبعیض روا نگردد و هر چیزی در جای خود قرار گیرد، مهم ترین و مقدم ترین اصل است. جامعه ای که در آن، حاکمیت، قانون، سیاست اجرایی، برنامه ریزی های مختلف مبتنی بر عدالت و . . . نباشد به طور حتم، دچار مشکل خواهد شد.

عدالت، هدف رسالت پیامبر

چنان که ذکر شد، عدالت اجتماعی، یکی از آرزوهای جوامع بشری در طول تاریخ بوده و هست و همه کسانی که به گونه ای اداره جامعه را به عهده دارند یا می خواهند آن را به عهده گیرند نیز آن را در دستور کار خود قرار داده، یا وعده تحقق آن را به مردم می دهند. بر این اساس، یکی از شعارهای اساسی حاکمان، گروه ها و اشخاصی که به نوعی تلاش دارند به حاکمیت سیاسی و اجتماعی برسند، برقراری و اجرای عدالت است.

خداوند نیز پیامبر (ص) و سایر پیامبران را با این هدف و ابزار لازم برای این کار، به میان مردم فرستاده است. 4 از این ایه شریفه می توان به دو نکته رسید: اول این که برپایی عدالت در جامعه، یکی از اهداف ارسال پیامبران، از جمله پیامبر اکرم (ص)، مطرح می شود و این، خود، نشان دهنده اهمیت بحث عدالت است که به مثابه یک هدف برای رسالت پیامبران از سوی خداوند متعال مطرح است و از سوی دیگر، به ابزار لازم برای این کار نیز - که همانا کتاب و میزان است - اشاره شده است. بنا بر این، برای برقراری عدالت در جامعه، نیازمند به دو عامل اساسی هستیم:

1. قانون عادلانه؛ 2. مجریان عادل که این قوانین را به صورت عادلانه و به دور از هر گونه تبعیض، در جامعه اجرا نمایند. در این راه، چه کسی شایسته تر از پیامبران الهی و ائمه اطهار و جانشینان آنها وجود دارد؟! تاریخ نیز گواه بر این مطلب است که هر گاه پیامبران و اولیای الهی، برای اعمال حاکمیت در جامعه، فرصتی یافتند، جامعه ای مبتنی بر عدالت را به وجود آوردند. این موضوع را می توان در سیره پیامبر اکرم (ص) (در دوران حاکمیت ایشان در مدینه النبی) و امیر مؤمنان (در طول خلافت کوتاه مدت آن امام، مشاهده کرد)، به طوری که به جرئت می توان گفت که صحنه های کوتاه حکومت سیاسی پیامبر در مدینه و خلافت امیرمؤمنان، ممتازترین صحنه هایی است که تاریخ بشر، از اجرای کامل قانون از سوی حاکمان خود و بدون هیچ گونه تبعیضی، به خود دیده است.

عدالت در سیره پیامبر (ص)

رسول خدا - که نمونه عالی مکارم اخلاق و عالی ترین و ممتازترین نمونه یک انسان کامل است - در طول حیات پرافتخار خویش، صحنه های بسیار شکوهمندی را مخصوصاً در زمینه عدالت و اجرای آن آفریدند که در تمامی اعصار به عنوان الگوی کاملی برای همه ابنای بشر به حساب می آید. امام علی (ع) - که نامشان به عدالت گره خورده است - نیز الگوی خود را در مدیریت بیت المال و اجرای عدالت، همان روش و سیره پیامبر (ص) اعلام می کند.

پیامبر (ص) در تمام طول زندگی خویش و بویژه در دورانی که در مدینه النبی، اقدام به تشکیل حکومت و ساختار

سیاسی نموده اند، خود را کاملاً ملزم به اجرای قوانین الهی بدون هیچ گونه تبعیضی در میان مسلمانان می دانستند. یکی از اسلام شناسان معاصر در این زمینه می نویسد: «رجال آسمانی، قوانین الهی را بی پروا و بدون واهمه اجرا می کردند و هرگز عواطف انسانی یا پیوند خویشاوندی و منافع زودگذر مادی آنان را تحت تأثیر قرار نمی داد. پیامبر (ص) خود، پیشگام ترین فرد در اجرای قوانین اسلام بود». 5

بی تردید، یکی از عوامل مهم در موفقیت پیامبر (ص) در طول رسالت ایشان، قانون پذیری آن حضرت بوده است. اجرای قوانین الهی، از محوری ترین اصول در سنت نبوی است. در این جا برای نمونه، به دو واقعه درباره اجرای عدالت، بدون هیچ گونه تبعیض از سوی پیامبر اشاره می کنیم. ام سلمه، همسر پیامبر (ص) کنیزکی داشت. وی از اموال قبیله ای دزدی کرد. او را برای قصاص، نزد پیامبر آوردند؛ ام سلمه، برای شفاعت کنیزک نزد پیامبر آمد. پیامبر فرمود: «ام مسلم! این، حدی از حدود (قوانین) خداوند است که ضایع نمی گردد. پس دست کنیز را قطع کرد». 6

در موردی دیگر، زنی از طائفه بنی مخزوم - که از قبیله های سرشناس بود - دزدی کرد. پیامبر (ص) تصمیم گرفت که حکم خداوند را درباره او اجرا کند. فامیل زن که این عمل را سبب سرشکستگی خود می دیدند، شروع به فعالیت کردند و اُسامه را - که از یاران پیامبر (ص) و پسر خوانده ایشان بود - نزد پیامبر واسطه کردند تا بلکه حد، درباره این زن اجرا نشود. پیامبر عصبانی شدند و به اسامه فرمود: «اسامه، ایا واسطه می شود تا حکم خدا اجرا نشود؟! علت بدبختی و هلاکت امت های پیشین، این بود که هر گاه افراد سرشناس، خلاف می کردند، حکم خدا درباره آنها اجرا نمی شد؛ ولی نسبت به افراد ضعیف و گم نام، حدود الهی اجرا می شد. به خدا سوگند که اگر دخترم فاطمه هم سرقت کند، دستش را قطع می کنم». 7

پیامبر (ص) حتی هنگامی که با مردم سخن می گفت، نگاه خود را عادلانه میان اصحاب تقسیم می کرد. 8 ایشان همچنین در زندگی خانوادگی، خود را کاملاً ملزم به اجرای عدالت می دانستند که نمونه آن را می توان در رفتار ایشان با همسران خود مشاهده کرد. آن حضرت، حتی در اواخر عمر و با وجود بیماری شدید هم، عدالت را در میان همسران خود مراعات می کردند و می فرمودند که بستر بیماری ایشان را هر شب، به اتاق یکی از همسرانشان انتقال دهند.

آن اسوه ممتاز الهی، درباره بدرفتاری ها و آزارهایی که به شخص خودش می شد، عفو و اغماض را پیش می گرفتند که نمونه های آن در تاریخ بسیار است؛ ولی در مورد تجاوز به حریم قانون، به شدت برخورد می کردند. عبد الله بن عباس می گوید: پیامبر (ص) واپسین خطبه اش را در مدینه و قبل از وفاتش برای ما ایراد می کرد که پس از آن، به خدایش ملحق شد. پس از خطبه علی ابن ابی طالب (ع) بلند شد و گفت: «پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله! جایگاه امیر جایی که عادت کرده، رعیت و زیردستانش را اصلاح نکند و امر الهی را درباره آنان اقامه نکند چیست؟».

پیامبر (ص) فرمود: «چهار نفرند که بین مردم، شدیدترین عذاب را در روز قیامت دارا خواهند بود: شیطان، فرعون، قاتل انسان و چهارمین نفر، امیر جائر و ستمگر». 9

عدالت در کلام پیامبر (ص)

پیامبر (ص) در سخنان گران بهای خود نیز سفارش بسیاری در زمینه عدالت داشتند که می تواند به عنوان الگوی عملی رفتار در جامعه و مناسبات اجتماعی ما قرار گیرد که در این جا به تعدادی از این احادیث اشاره می کنیم:

یک ساعت عبادت، بهتر از یک سال عبادت است. 10

عدالت، نیکوست، ولی از زمامداران، نیکوتر است. 11

وقتی حکم می کنید، به عدالت رفتار کنید. 12

خداوند دوست دارد بین فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنها به عدالت رفتار کنید. 13

احادیث دیگری نیز از آن حضرت، درباره عدالت نقل شده است که برای رعایت اختصار، به همین میزان کفایت می کنیم.

خلاصه کلام این که در جامعه آرمانی و الهی پیامبر (ص)، همه مردم در برابر قانون یکسان بوده اند، تبعیض نژادی و قومی و قانون شکنی وجود نداشته است و تنها ملاک برتری و شایستگی در این جامعه الهی، بر اساس دستور الهی، تنها و تنها «تقوا» بوده و بس. نکته شگفت آور، این است که این جامعه، در بطن جامعه ای متولد می شود که در آن، نژاد و قبیله، از بیشترین اهمیت برخوردار بوده است.

منابع

1. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالکتب اسلامی، سیزدهم، 1369 ج 4.
2. مبنای نظری عدالت اجتماعی، مدیریت بهره وری بنیاد مستضعفان، تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان، 1375، ص 6.
3. همان، ص 7.
4. سوره حدید، ایه 25.
5. «قانونگرایی در سیره معصومان (ع)»، علیرضا انصاری، ماه نامه پیام کوثر، شماره 25.
6. همان، شماره 28.
7. درس هایی از قرآن، محسن قرائتی، جزوه دوم (عدل)، ص 365.
8. ر. ک: همان، ص 499.
9. عدالت در نظام سیاسی اسلام، بهرام اخوان کاظمی، تهران: مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر، 1381 (به نقل از بحارالأنوار، ج 76، ص 367).
10. نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: دنیای دانش، سوم، 1380، ص 564.
11. همان، ص 578.
12. همان، ص 192.
13. همان، ص 306.